

چیزی که گاهی شاهد هستیم این است که برخی از بازیگران ستاره در برخی از پروژه‌ها امپراتوری دارند و در همه چیز از تیتراژ و گریم تا حتی غذایشان نیز برای تهیه کننده تکلیف مشخص می‌کنند! در بین ستاره‌های دوران شما این اندازه از اهمیت به ستاره در پشت صحنه‌ها وجود داشت؟

در آن زمان رقابت، رقابت سالمی بود. آن زمان تهیه کننده داشتیم و می‌دانست کارش چیست اما الان معیارهای سینما به هم خورده است. در زمان ما یک فیلم نهایتاً ۱۵ نفر عوامل داشت اما الان پشت صحنه هر فیلمی را که می‌بینیم هشتاد نفر هستند. هر عکاسی چند دستیار دارد و هر کسی که در گروه هست کلی کمک و دستیار دارد. امیدوارم این سفره باز باشد و همه از آن بتوانند تغذیه کنند ولی این تعداد عوامل، خیلی زیاد است. اما در باره بر خورد با ستاره، من اخیراً سر یک شبکه نمایش خانگی به نام «دل» هستم که منوچهر هادی کارگردان آن است و در این کار با حامد بهداد، ساره بیات، یکتا ناصر، بهرام افشاری، نسرين مقالو، مهراوه شریفی نیا، بیژن امکانیان، کوروش تهامی، افسانه بايگان و... هم بازی هستم. کار خوبی است و گروه خوبی هم دارد. باور کنید من با وجود حرف‌هایی که شنیدم از نحوه



نوید محمدزاده بازیگر باهوشی است و استعدادهایی درون خودش دارد ولی آن قدر آن استعدادها را تکرار کرده که تمام می‌شود. حتی به نظر من جز همان فرم هم نمی‌تواند بازی کند و تمام می‌شود. او یک نقش برای فریدون جبرانی بازی کرد که به نظر من شوخی بود. نمی‌توان کتمان کرد که چند تا از کارهای او خوب بود

بودم که یک سری از دوستان با خودش غذا سر صحنه می‌آوردند و غذای خودشان را می‌آوردند که من می‌گفتم این کار قشنگ نیست. اما به هر حال تغذیه و امکانات رفاهی بازیگر مهم است و باید به نظر من حتی در قرارداد هم اضافه شود.

یعنی حرفه‌ای است که یک بازیگر در متن قرارداد خودش این تبصره‌ها را اضافه کند؟

صد درصد. قرار است بازیگر انرژی مصرف کند به همین دلیل نمی‌تواند به مادر یا همسرش بگوید برایش غذا درست کند تا سر صحنه فیلمبرداری بخورد. غذا مهم‌ترین چیز در سینماست. ۸۰۰ میلیون تومان به هنرپیشه می‌دهید اما حاضر نیستید که مقداری هم برای غذا خرج کنید؟ جای خواب‌های بد به خیلی از بازیگران و عوامل می‌دهند که وقتی از خواب بیدار می‌شوند اکثراً بیشتر خسته هستند. باور کنید خیلی چیزها در سینما رعایت نمی‌شود.

در چند سال اخیر اوضاع بازیگری به سمتی رفته که دیگر لزوماً کسی که چشمان رنگی دارد انتخاب نمی‌شود و از خوشگل‌ها فاصله گرفته ایم و کیفیت مهم شده است. اما حالا اشکال چیز دیگری شده؛ این که از یک جایی به بعد، سلیقه کارگردان‌ها تکراری شده که مدام در هر کاری آن‌ها را می‌آورند!

نمی‌پذیرم! سلیقه تکراری یعنی عمل خطا!

اجازه بدهید راجع به بازیگری مثل نوید

محمدزاده پیرسزم او امسال چند فیلم داشت که در یک جمع بندی کلی در آثار بد بازی نکرد.

خود من هم فعال بودن او را دوست دارم اما تا چه زمانی باید مرتب خودش را تکرار کند؟

برخی از منتقدان گفته بودند او بهترین گزینیه برای جایگزین بهروز و توفی در سینمای ایران است؛ شما قبول دارید؟

شوخی نکنید! بهروز و توفی یک کس دیگری است. البته بله، می‌تواند یک مقلد خوب باشد اما جایگزین هرگز! نوید محمدزاده بازیگر باهوشی است و استعدادهایی درون خودش دارد ولی آن قدر آن استعدادها را تکرار کرده که تمام می‌شود. حتی به نظر من جز همان فرم هم نمی‌تواند بازی کند و تمام می‌شود. او یک نقش برای فریدون جبرانی بازی کرد که به نظر من شوخی بود. نمی‌توان کتمان کرد که چند تا از کارهای او خوب بود. مثلاً همین فرد نقش سرهنگ در «سرخ پوست» را بسیار خوب بازی کرد به حدی که من می‌گویم می‌شود آن فیلم و بازی‌اش را در دانشگاه تدریس کنند. اما به هر حال بعضی از بازیگران یک دفعه مد می‌شوند و به نظر من نوید محمدزاده مد شده، برای همین همه کارگردان‌ها می‌خواهند از او برای فیلم‌هایشان استفاده کنند.

کنیکال بر خورد حامد بهداد همیشه می‌خوردیم اما من برای ما بودم که یک سری از دوستان با خودش غذا سر صحنه می‌آوردند و غذای خودشان را می‌آوردند که من می‌گفتم این کار قشنگ نیست. اما به هر حال تغذیه و امکانات رفاهی بازیگر مهم است و باید به نظر من حتی در قرارداد هم اضافه شود.

یعنی حرفه‌ای است که یک بازیگر در متن قرارداد خودش این تبصره‌ها را اضافه کند؟

صد درصد. قرار است بازیگر انرژی مصرف کند به همین دلیل نمی‌تواند به مادر یا همسرش بگوید برایش غذا درست کند تا سر صحنه فیلمبرداری بخورد. غذا مهم‌ترین چیز در سینماست. ۸۰۰ میلیون تومان به هنرپیشه می‌دهید اما حاضر نیستید که مقداری هم برای غذا خرج کنید؟ جای خواب‌های بد به خیلی از بازیگران و عوامل می‌دهند که وقتی از خواب بیدار می‌شوند اکثراً بیشتر خسته هستند. باور کنید خیلی چیزها در سینما رعایت نمی‌شود.

در چند سال اخیر اوضاع بازیگری به سمتی رفته که دیگر لزوماً کسی که چشمان رنگی دارد انتخاب نمی‌شود و از خوشگل‌ها فاصله گرفته ایم و کیفیت مهم شده است. اما حالا اشکال چیز دیگری شده؛ این که از یک جایی به بعد، سلیقه کارگردان‌ها تکراری شده که مدام در هر کاری آن‌ها را می‌آورند!

نمی‌پذیرم! سلیقه تکراری یعنی عمل خطا!

اجازه بدهید راجع به بازیگری مثل نوید

نسل جدیدی از کارگردانان هم وارد کار شده‌اند مثل سعید روستایی، نیما جاویدی و... این نسل به نظر شما چقدر می‌تواند برای سینما در بلندمدت درخشان باشند و مثل خیلی از کارگردان‌های نسل شما یعنی داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی و... صاحب سبک باشند؟

الان ما ۴۳ کارگردان داریم که پنج تا از آن‌ها خوب هستند و بقیه می‌خواهند با این پنج نفر مبارزه کنند که نتیجه‌اش را مادر جشنواره شاهد هستیم. مثلاً در جشنواره‌ای که بیش از سی فیلم هست پنج یا شش فیلم از این فیلم‌ها خوب هستند و بقیه می‌روند برای

اکران و این در دسرهایی که الان داریم را ملاحظه می‌کنید. این‌هایی که به این نقطه می‌رسند مثل سعید روستایی یا نیما جاویدی و چند اسم معتبر دیگر، کار کردن را با سختی‌هایش یاد گرفته‌اند. من می‌دانم این‌ها مطالعه می‌کنند، فیلم می‌بینند و مردم هم صد درصد این موضوع را حس می‌کنند. به هر قیمتی در فیلم‌هایشان مردم را نمی‌خنداند و اغلب فیلم‌هایشان زمانی اکران می‌شود که چند فیلم لوده و طنز هم کنارشان هست اما این‌ها هستند که خودشان را بالا می‌کشند.

به همان تعدادی که فیلمساز جدید آمده، فیلمسازهای قدیمی کمتر فیلم می‌سازند در حالی که در سینمای دنیا وودی آلن، مارتین اسکورسیزی، کلینت ایستوود و... کماکان فیلم می‌سازند و خوب هم می‌سازند اما فیلمسازهای قدیمی ما یا فیلم نمی‌سازند یا اگر بسازند متاسفانه اغلب ناامید کننده می‌شود.

برای این که ما هنوز گرفتاری‌های شخصی خودمان را داریم. مثلاً کارگردان حاضر نیست ایده‌هایش را بهروز کند، فیلم ببیند، فستیوال برود و... وقتی بعد از ۲-۳ سال فاصله بین فیلم‌هایت می‌خواهی اندوخته سی سال پیش را پیاده کنی مطمئن نمی‌شود چون جامعه ما به شدت با موضوعات بهروز پیش می‌رود و مخاطب، مخاطب بهروزی است. به نظر من یکی از برگ‌های برنده این کارگردانان جوان این است که بهروز هستند. ما در ایران فیلمسازهای فوق‌العاده‌ای داریم ولی فضایی برایشان ایجاد می‌شود یا ایجاد شده که خانه نشین می‌شوند. آن وقت شما می‌خواهید کسی مثل داریوش مهرجویی یا دیگران بهروز باشند و هر سال یک فیلم بسازند؟ از فیلم آخر داریوش مهرجویی تا الان چند سال می‌گذرد؟

شش سال! چطور می‌شود که یک فیلمساز شش سال فیلم نمی‌سازد؟ در چنین شرایطی آن وقت فقط بلدند جلسه‌های بی‌جهت برگزار کنند که هیچ حرفی راجع به سینما زده نمی‌شود و مدام می‌خواهند مچ همدیگر را بگیرند. خود من، الان دو سالی هست که به دلایل شخصی به جشنواره فجر نمی‌روم چون فقط یک سری مدیر، در دیفا اول می‌نشینند و بقیه پشت آن‌ها می‌نشینند. به جای این حاشیه‌ها جشنواره‌ها را حرفه‌ای کنید. این همه به جشنواره‌های خارجی هم می‌روید باز هم یاد نگرفته‌اید؟